

## شرایط اصلاحات در ممالک عقب مانده

مجید پهلوان

www.majidpahlavan.com

با فرارسیدن سالگشت ۲۲ بهمن و پس از شکست انقلاب ضد استبدادی مردم ایران و آغاز سیطره جمهوری اسلامی به رهبری آیت الله خمینی، مجدداً برخی با احساس ندامت و ابراز شرمندگی نه تنها به تقدیر رژیم شاه دست زده که عدم حضور ذهن و ناآگاهی خود را نسبت به ابتدایی ترین مباحث پایه آشکار ساختند. از میان آنان کسانی چون آقایان سحابی و گنجی انگشت روی اقدامات شاه میگذارند و پرده کوچکی از بدفهمی خود را از رژیم گذشته نشان میدهند. پس از پنجاه سال تازه به مثبت بودن اصلاحات دهه ۴۰ خورشیدی رسیده اند و اظهار پشیمانی خود را نیز رسانه ای نموده اند.

\*\*\*

من طی سالیان و در مطالب خود به کرات متذکر شدم که پس از سالهای دهه ۴۰ خورشیدی و تغییر چهار چوب اقتصادی ایران از زمین داری به دروازه های سرمایه داری تولیدی، سیمای اجتماعی ایران تغییر کرده و سیل توفنده ای از صنایع کشور را فرا گرفت و طبقه ای بنام کارگران صنعتی در معیارهای میلیونی به صحنه آمد. و طبقه متوسط نو در اجتماع ظاهر شد. این اصلاحات و تغییرات مثبت قبلاً در ابعاد نجومی و در کشورهای دیگر چون ترکیه و کره و ژاپن در آسیا و چند کشور امریکای لاتین چون مکزیک و برزیل، آرژانتین و شیلی مجری شده بود. آقایان اما که فراموش میکنند تفاوت های فاحش اصلاحات در ایران که تحت نام انقلاب سفید به صحنه آمد را از نمونه های موفق آن چون ژاپن و... به نمایش گذارند. آنها هنوز در مجموعه قوانین جنگل و استبداد و چهار چوب شبان رمه می اندیشند و درک نمیکنند که در جهان حتی قرن بیستم و حتی در کشورهای آسیایی و امریکای جنوبی و مرکزی، این اصلاحات (مجموعه دستوری امریکا برای خروج جهان سوم از زمین داری و ورود به سامانه و مناسبات سرمایه داری) بخش سیاسی هم داشت که آن کشورها را نسبت به قانون اساسی جدید خود مسئول میدارد. شاه ورهبر و امپراطور و آقا بالاسرها طبق قانون اساسی خود مسئولیت سیاسی ندارند و کار در دست دولت ها و رئیس دولت و کابینه مجلس میماند. اصلاحات در مجالس تصویب میشود و هیئت مجریه مسئول اجرای آن. شاهنشاه ها، رهبران، شیوخ و... سر جای خود میشینند و دولتهای انتخابی طلایه دار انتقال اجتماع، اقتصاد، حقوق و صورت بندی تولیدی کشور میشوند. ما اما که از لون دیگری بودیم و شاه خود بزرگترین زمین دار و دولت و مجلس ورهبران دستگاه اداری او هم از شاخص ترین زمین داران و علیه اصلاحات (ارضی)!

\*\*\*

ما و اجتماع و اقتصاد ایران ربطی به شرایط موجود در ژاپن و کره و برخی کشورهای حوزه امریکای لاتین نداشتیم. آنجا و قبل از اصلاحات و ورود سرمایه داری، فتوادل ها با تقسیم قدرت بین خود و لذا تقسیم ثروت و قرارداددن یک پادشاه ورهبر، آماده ورود به مناسبات سرمایه داری از طریق قدرت گیری طبقه نوظهور ولی ضعیف بورژوا (اغلب تجاری) بودند. آنها شاهی که صاحب مملکت

باشد و شبانه استانی را بصورت نیول به کس دیگری ببخشد نداشتند. که اصلاحات ارضی در ایران بدون بخش سیاسی یعنی ورود احزاب سیاسی و سازمانهای صنفی-مدنی و اجتماعی به جامعه صورت گرفت. خود شاه و وابستگان به دربار (زمین داران) بدون احتیاج به اتحاد و کمک کارگران، به زمین داری پایان دادند و به بورژواها تبدیل شدند. که اصلاحات باید بدست دولت ها و زدن مستبدین صورت میگرفت تا استبداد ریشه کن شده و مسئله استعمار در نوع جدید خود به صحنه آید. حضرات حزب الله شرمنده فراموش میکنند که اصلاحات در ایران بدست آنهاست که موجب ذلت و بی قانونی و ترور و استداد بودند صورت پذیرفت و لذا تضادهای حل نشده یک جامعه بیمار و پرتضاد را به آینده (جمهوری اسلامی) سپردند. شاه این بار و در مناسبات سرمایه داری شد مالک درآمد نفت که مدرنیزاسیون بی برنامه را مجری و دروازه های مدرنیته را بست!

\*\*\*

ایالات متحده امریکا در زمان حقه کردن مجموعه اصلاحات که در ایران به انقلاب سفید معروف شد نشان داد که هر چند برای اصلاحات ارضی و تبدیل سامانه اقتصادی مملکت به سرمایه داری و جذب در چنین مناسبات جهانی جدی است ولی اجرای بخش سیاسی و زدن امپراطوری و دیکتاتورها را سپرده به شرایط ممالک مذکور و نمیتواند روی آن معامله کند! لذا دیکتاتوری فردی در ایران باقی میماند و ژاپن و چند کشور دیگر شاهان ورهبران و آقابالاسرهای کپک زده دوران ماضی را خانه نشین میکنند تا طبق قانون اساسی کشور مقامی بدون مسئولیت و دخالت باشند. کسانی که هنوز به دنبال لانسه کردن اقدامات مثبت و ضروری پهلویان چون احداث راه آهن و... هستند فراموش میکنند تا بگویند این اصلاحات طبق قانون اساسی مشروطیت باید بدست دولتها صورت گیرد (دولت منتخب) و عدول از آن تکرار تاریخ عقب ماندگی را دور تسلسل میدهد اصلاحات در درجه نخست باید به موازات برقراری آزادیهای مدنی، سیاسی و فردی - شهروندی پیش رود. احزاب سیاسی و سازمانهای مدنی-صنفی و سیاسی تاسیس و کلیه موارد از کانال اجرایی دولت و تصویب مجلس باشد که در صورتیکه دیکتاتور مصلح هم بخواهد آن را به انجام رساند فقط استبداد و عقب ماندگی و بیسوادی عمومی را به حکومت آینده منتقل میکند. حزب الله شرمنده اکنون میدانند که بر اثر فقر و بیکاری جامعه به بحرانی ساختاری میرسد و جنبشی اجتماعی در میگیرد و لذا از هم اکنون مشغول کاریابی و چشمک زدن به ارباب سرمایه اند. تجربه نشان داده که حتی اصلاحات در چنین ممالکی سببه خودکامگی تاریخی دارد، هرگز نمیتواند از اردوی بورژوازی از هر قوم بیرون آید و مادر این مورد هم مسئولیت عظیمی بر عهده داریم.

\*\*\*

در حالیکه با تجربه های سیاسی و بویژه مطلعین مسایل توسعه و دموکراسی اکیدا مسئولیت دارند تا بحث را به چهار چوب های عوامل دموکراتیک در توسعه جامعه بکشانند. این جماعت تازه به فکر اقدامات شاه و رضاشاه افتاده اند در حالیکه بحث این است که اصلاحات، سازندگی و مسایل اجرایی کشور اکیدا نباید ربطی به راس سمبلیک و بی مسئولیت مملکت داشته باشد. که اگر در دایره کشورهای پادشاهی هم تفکر میکنید باید بدانند که شاه و ملکه حقوق بگیران بدون مسئولیت اجرایی یا قانون گذاری و قضایی هستند که در طوفان انتخابات هم چون سایرین نظاره گر مسایل میشوند (اروپای غربی)! عدم طرح مسئله از این زاویه است که سیدعلی خامنه ای و اردوی رهبری در نظام اسلامی میگویند که آنها نیز دهها بزرگراه و صدها دانشگاه و مراکز صنعتی و غیره ساخته اند ولی کیست که نداند راس ترورها و سانسور و سلطه و خفقان و سرکوب نیز همانها هستند. میگویند که باید در فضای آن روزی ایران مسایل را بررسی کرد. در همان فضا هم ترکیه بدون قطره ای ذخائر نفت خام از کشوری تاراج شده و جنگ زده (سقوط امپراطوری

عثمانی) مملکتی صنعتی و توسعه‌گر میسازد و با احزابی آزاد و مستقل و اتحادیه‌ها و سندیکاها کارگری و طوفانی از شبکه موسسات مدنی! ما اما که به جای افشا استبداد دنبال خط آهن کشی و ساختن دانشگاه در زمان پهلویان میرویم غافل از اینکه در همان زمان است که ژاپن نشسته بر تاریخ حضور تقسیم قدرت و ثروت بین فئودال‌های کبک زده و با نفی استبداد و دکور ساختن از امپراطور به پیش می‌رود.

\*\*\*

نگاهی می‌کنیم به افاضات خط اصلاح طلبی در کلیت یک حکومت تروریستی که نخست وزیر مغضوب (موسوی) آن خواهان بازگشت به "دوران طلایی" امام را حلس می‌شود و از صدر تاذیل به جای مطرح نمودن بحث حقوق شهروندی و افشا تفکر چوپان و گوسفندی می‌خواهند در همان چهارچوب نظام آزادی کش و بدون برخورد به مسئله استبداد امور را به طریقی دیگر پیش برند که موجب استمرار حکومت بربریت باشد. به افاضات جدید امثال تاج زاده‌ها و زیباکلام‌ها این خروسان بی محل توجه کنید. هیچکدام اکیدا مسئله‌ای با چهارچوب استبداد ندارند ولی آن را به سلیقه خود می‌خواهند. طرفه اینکه باید خط طرح زندگی نو و اندیشه نو و حضور حقوق فردی- شهروندی را خارج از چهارچوب استبداد و جستجو کرد. اکنون اصلاح طلبان در ایران به تعامل گرایان تبدیل شده و در خدمت استبداد کهن و خارج نشینان آنها نیز در خدمت ارباب! دقیقا همانند جفت خود در صفوف چپ نما‌ها که زمانی یقه برای شوروی پاره کرده و در خدمت شکوفایی جمهوری اسلامی بودند و حال کشته و مرده ارباب در غرب و نواله خود آنها. اگر مسکو فروریخت، ولی واشینگتن که هست! با فرارسیدن سالگرد ۲۲ بهمن و تاسیس نکبت و خفتی بنام جمهوری اسلامی برخی سراغ بوی کباب غرب و نوجه‌ها می‌روند. سازگاریها و مهاجرانی و گنجی و حقیقت جو، کدیور، و... نیکوتر آنکه نسل نو انقلابیون هرگز افشاگری خود علیه آدم‌های کرایه‌ای را فراموش نکنند که کمکی است در مسیر زدن تفکر استبدادی و دفاع از آزادی.





















